

# اشتغال زنان از دیدگاه فقیهان اهل سنت



محمود خوش خبر

کارشناس ارشد فقه شافعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

newsnam@yahoo.com



فوق و حد  
شماره ۲۵ - پاییز ۱۳۹۰  
سال هفتم

## چکیده

حضور فزاینده زنان در مراحل مختلف تحصیلات عالی، باعث بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات متقابل زنان و جامعه شده است. در مورد فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان و نیز نقش آفرینی و تصمیم سازی آنها در طول تاریخ در جوامع مختلف، دیدگاههای متفاوت و چه بسا متعارضی وجود داشته است. گروهی زن را به منزله موجودی برای بهره برداری مردان و انجام خدمات منزل در نظر گرفته اند و گروهی به آنان نقشی همپای مردان داده و آنها را همتراز مردان دانسته اند. این موضوع، اگرچه مورد توجه فقیهان متقدم نبوده و کمتر بدان پرداخته اند، ولی همواره مورد بحث و تبادل نظر اندیشمندان متأخر بوده است. در این تحقیق با توجه به دیدگاه فقیهان اهل سنت، به بررسی تحلیلی موافقان و مخالفان اشتغال زن، پرداخته می شود. براساس آراء فقیهان و عنایت به خصوصیات جسمی و روحی بانوان و عرف، بهترین و مهم ترین نقش زنان در جامعه نقش همسری و مادری است. اسلام به بانوان اختیار داده که بیرون از منزل کار کنند، اما نه به قیمت مسخ خصوصیات زنانه آنها؛ یعنی کار زن در محدوده مشخص و مشروط، تجویز شده است.

کلیدواژه‌ها: زن، اشتغال، فقه، فقیهان، عرف.

## مقدمه

حکمت خدای عزوجل در آفرینش انسان عبادت و آبادانی زمین است (بقره، ۳۰) و برای اینکه هدف و مقصد خداوند در آفرینش محقق شود، باید این دو فعل ظهور و بروز یابد؛ بندگی خدای عزوجل و کار و تلاش در راستای این بندگی. مفهوم خلافت محقق نمی‌شود مگر با عبادت خدا و آباد سازی زمین. از آن جهت که انسانها متشکل از زن و مرد هستند، مسئولیت کار در راستای بندگی و آباد سازی زمین، به عهده هر دو گروه از انسانها نهاده شده است. خداوند در عرصه بندگی و پاداش اعمال، مرد و زن را مساوی می‌داند (آل عمران، ۱۹۵) و در زمینه کار و تلاش، ابوالبشر (آدم) و ام‌البشر (حوا) هر دو در این وادی گام نهادند و هر کدام به فراخور استعداد و توان خود، گام برداشت و زمین را آباد ساخت. کار اصلی ابوالبشر تلاش در بیرون از خانه بود و کار ام‌البشر خانه داری. حوا با حمل ذریه انسان، ولادت، تربیت، محافظت، و مراقبت از اولاد، ظهور یافت و آدم با مهیا کردن امکانات و ابزار لازم برای این استاد بزرگ (مادر) در دانشگاه انسان سازی (خانه) نقش ایفا نمود. «الأم مدرسه اذا أعدتها أعدت شعبا طیب الاعراق» با توجه به نقش غیر قابل انکار زنان در جوامع انسانی، در طول تاریخ دیدگاههای متفاوت و چه بسا متعارضی در مورد میزان نقش آنان در فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز نقش آفرینی آنها در تصمیم سازی وجود داشته است. گروهی آنان را به منزله موجوداتی برای بهره‌برداری و خدمت به مردان در نظر گرفته‌اند و گروهی نقش آنان را بسان مردان و همتراز آنان دانسته‌اند. دیدگاه اول در دوران گذشته، طرف‌داران بیشتری داشته است، اما در دوران معاصر، طرف‌داران دیدگاه دوم بیشتر شده‌اند. گروه دوم در راستای استنباط ایده خویش، بر این باورند که عنصر شرایط و احوال و به تعبیری دیگر عرف، نقش مهمی در پاسخگویی به مسئله فوق و تبیین جایگاه زنان دارد. در این نوشتار، با توجه به دیدگاه برخی فقیهان، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا کار کردن زن در بیرون منزل حق وی است یا تکلیف؟ و آیا شوهر یا ولی، حق دارد مانع از اشتغال وی شود؟ و اگر اشتغال را حق زن بدانیم، آیا شروط و محدودیتی وجود دارد؟ پاسخ این پرسشها را در این نوشتار خواهید یافت.

## مفهوم اشتغال

اشتغال مصدر افتعال، به معنای مشغول شدن، به چیزی پرداختن، به کار پرداختن و به کار سرگرم بودن است، همچنین توجه قلبی به کسی یا کاری را اشتغال گویند. (زنده دلا مرده

ندانی که کیست / آنکه ندارد به خدا اشتغال).

در فرهنگ اقتصادی، (۱) اشتغال به معنای مشغول به کار تعریف شده است، این کلمه دارای تعاریف گوناگونی است که در این مجال به ارائه چند تعریف که متناسب با موضوع مورد بحث ما است، اکتفا می‌شود:

(۱) «تطابق نیروی انسانی با فرصتهای شغلی و درجه تطبیق این نیروها با حرفه‌ها و فعالیتهای موجود در یک جامعه». (۲) اشتغال شامل هر فعالیتی است که انسان اعم از زن و یا مرد، در خانه و یا بیرون از خانه انجام می‌دهد. (۲) (۳) پاره‌ای گفته‌اند: فعالیتهای اقتصادی زنان در بخش رسمی، اشتغال نامیده می‌شود. منظور از بخش رسمی، اقتصاد، صنعت، خدمات و آن بخش از کشاورزی است که دارای نیروی کار فرد بگیر باشد. (۳) به نظر می‌رسد تعریف دوم؛ یعنی به حساب آوردن کار درون خانه به عنوان اشتغال، مناسب‌تر و به عدالت نزدیک‌تر است. حق این است که امروزه اندیشمندان و متفکران در صدد ارزش گذاشتن کار بدون دستمزد زنان در خانه هستند و بسیاری از اقتصاددانان معتقدند کار در منزل، هرچند در آئینه آمار و ارقام قابل محاسبه نباشد، اما واقعاً دارای ارزش اقتصادی است و باید مورد محاسبه قرار گیرد و ارزش مادی آن مشخص شود.

## تاریخچه اشتغال

### ۱) در ایران

ساختار جامعه ایران تا دوره قاجار، سنتی - مذهبی بود؛ به طور کلی می‌توان گفت: زنان از موقعیت پایینی برخوردار بودند و فعالیت آنان به انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد و زنان در خارج از خانه مسئولیتی نداشتند. در دوره هخامنشیان و اشکانیان، مرد در استفاده از اموال زن کاملاً مختار بوده و زن از هیچ حقوقی برخوردار نبوده است. زن از حداقل حقوق انسانی برخوردار نبود، تا بتواند فعالیت اقتصادی و اشتغال داشته باشد. اما در دوره ساسانی که افراد جامعه به طبقات مختلفی تقسیم می‌شدند، در داخل هر یک از طبقات، زنان متناسب با فرهنگ و وضعیت، مشاغلی را برعهده داشتند. مثلاً پوراندخت و آذرمدخت که از زنان خاندان سلطنتی بودند، حکومت کردند. زنان سایر طبقات نیز بسته به طبقه خود، به کار ریسندگی، کشت و زرع یا صنعت آن روز اشتغال داشتند. از ویژگیهای این دوران، مالک شدن دستمزد و درآمد توسط زنان بود که می‌توانست خود آن را بردارد یا به شوهرش بدهد. (۴) در دوره قاجاریه، ارتباط با غرب، باعث تغییر در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت اجتماعی زنان پایتخت





و کلان شهرها گردید. در این دوره کار زنان در صنایع کشور رایج بود و برخی صنایع به طور کامل وابسته به کار زنان و کودکان بود. مثلاً در کارخانه ابریشم تابی و نساجی به خصوص قالیبافی زنان بخش اعظم نیروی کار را تشکیل می دادند. (۵)

#### ۲) در روم باستان

زن در روم باستان از همه حقوق محروم بود و از هیچ گونه جایگاه و اختیاری برخوردار نبود. دختران و زنان، مانند شیء مملوک معامله می شدند و از حقوق اقتصادی نیز هیچ بهره ای نداشتند. از این رو، وقتی زن از حداقل حقوق انسانی محروم باشد و به عنوان شیء با او رفتار شود، قطعاً از حقوق و امتیازات اقتصادی نیز بهره مند نخواهد بود، بنابراین در حقوق روم باستان، زن بهره ای از اشتغال نداشت؛ چون اصلاً از اطلاق عنوان انسان بر آنان دریغ داشتند. (۶)

#### ۳) در یونان باستان

زن در یونان باستان، نه تنها مخلوقی حقیر شمرده می شد، بلکه حداقل به عنوان انسان با زن رفتار نمی شد. زن همانند شیء در اختیار مرد بود و مرد هرگونه رفتاری را با او انجام می داد و زن در این دوره از هیچ حقوقی برخوردار نبود، در نتیجه از فعالیت اقتصادی و اشتغال نیز محروم بود. تنها موردی که برای فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در تاریخ یونان باستان ذکر شده، مربوط به حضور زنان در بازار بوده است. این اشتغال همراه با مردان بوده و فقط در منطقه «کریت» مشاهده شده است. (۷)

#### ۴) در میان اعراب جاهلی

قبل از اسلام، وضع زنان و دختران در عربستان جاهلیت بسیار رقت بار بوده است؛ دختران در نظر پدران، و زنان در نظر شوهران موجودی ضعیف و بی ارزش و قابل تملک و معامله بوده اند. اختیارات مرد نامحدود بود. زن در محدوده منزل زندگی می کرد، ولی حق هیچ گونه مداخله ای در امر زندگی نداشت. در این دوران فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان اصلاً مطرح نبوده است.

#### ۵) در عصر ظهور اسلام

با ظهور اسلام، کرامت انسانی زن احیا شد و به عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح گردید. زندهای صدر اسلام در امور اجتماعی، مشارکت داشتند. قرآن کریم، کسب و تلاش اقتصادی زنان را تأیید کرده و مالکیت آنان را به رسمیت شناخته است: «... و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده اند، بهره ای است» (نساء، ۳۲). اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص)، به شکلی گسترده به چشم می خورد و در تمامی شغل های رایج آن زمان، حضور داشتند. مثلاً زینب دختر جحش به صنایع دستی اشتغال

داشت، زنی به نام زینب پزشک قبیله بنی داود بود و مریضان را مداوا می کرد، زنانی بسیار به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند و زنانی به تجارت مشغول بودند. (۸)

#### ۶) در اروپا (غرب)

زن در اروپای قرون وسطی از هیچ گونه حقوقی برخوردار نبود و اگرچه زنان به کار کشاورزی می پرداختند، اما نه به عنوان مالک، بلکه به عنوان افرادی مملوک برای دیگران کار می کردند. در قرون وسطی، جوامع اروپایی برای زنان حق اشتغال قائل نبودند و در ابعاد دیگر نیز از حقوق اجتماعی و مالی محروم بودند. آغاز انقلاب صنعتی و شکل گیری جوامع صنعتی و ایجاد بازار کار جدید، موجب اشتغال زنان در بخش صنعت شد، اشتغال زنان در غرب بعد از انقلاب صنعتی، به صورت گسترده شکل گرفت. (۹) افزایش اشتغال زنان در این دوره، به منظور تکریم و بالا بردن منزلت زن نبود، بلکه جوامع صنعتی در صدد برطرف کردن نیاز خود، به دنبال نیروی کار ارزان بودند.

### بررسی تحلیلی اشتغال زن از دیدگاه فقیهان

اشتغال زن را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

#### ۱) اشتغال زن در درون منزل

در اینکه آیا شوهر می تواند مانع از اشتغال زن در خانه شود، فقیهان آراء مختلفی دارند؛ برخی گویند: مرد حق دارد مانع از اشتغال زن شود، اگرچه نیازی به بیرون رفتن از منزل نباشد و آن شغل در خانه انجام گیرد. عده ای نیز معتقدند شوهر حق ندارد مانع اشتغال زن در منزل شود و تنها می تواند از بیرون رفتن وی جهت اشتغال جلوگیری کند. شافعیه و مالکیه و برخی حنابله گویند: زوجه حق دارد در خانه خود، به تجارت و مشاغل دیگر بپردازد و شوهر نیز حق منع وی را ندارد و اگر ارباب رجوع مردان باشند، لازم است در کنار زن محرمی باشد. «شوهر حق ندارد مانع از اشتغال بافندگی، خیاطی و ... زن در منزل شود». و نیز گفته اند: «شوهر حق ندارد مانع از تجارت کردن زن خود در درون منزل شود». (۱۰) و نیز فقیهان تصریح دارند به اینکه شغلی که ضرر و زیانی در آن تصور نمی شود، دلیلی برای مانع شدن از آن وجود ندارد، به خصوص زمانی که شوهر به مسافرت رفته یا به عللی در خانه حضور ندارد و زن مجبور است برای تأمین هزینه زندگی کار کند (۱۱) و برخی نیز گویند: شوهر حق دارد زوجه اش را از اشتغال بازدارد: «شوهر حق دارد که زوجه خود را از اشتغال به گل دوزی و هر کار دیگر اگرچه در درون منزل باشد، منع کند». به طور کلی مخالفان اشتغال زن در منزل به دو دلیل استدلال می کنند؛ اولاً، زن به درآمد اشتغال نیاز ندارد؛ زیرا شوهر هزینه زندگی

وی را تأمین می‌کند. ثانیاً، اشتغال، باعث خستگی و کم خوابی می‌شود، در نتیجه جمال و لطافت زن لطمه می‌بیند، بنابراین شوهر حق دارد مانع اشتغال وی شود.

ولی این ادعا که اشتغال باعث نقص در جمال زن می‌شود، تا چه اندازه قابل اثبات است؟ باید گفت: ادله مخالفان اشتغال زن در خانه از حجت قابل قبولی برخوردار نیست و بنابراین شوهر حق ندارد مانع اشتغال زن در درون منزل شود؛ زیرا اسلام دین کار و تلاش است و در آیات و روایات بسیاری تشویق بر کار شده است. رسول اکرم (ص) در حدیثی صحیح می‌فرماید: «اگر قیامت به پا شد و در دست یکی از شما فسیل نخلی بود و توانست پیش از به پا شدن قیامت آن را بکارد، باید چنین کند» (۱۲). در این حدیث لفظ «أحدکم» به کار رفته که عمومیت دارد و زن و مرد را دربر می‌گیرد.

## ۲) اشتغال زن در بیرون از منزل

در باب اشتغال زن در بیرون از منزل، دو دیدگاه وجود دارد؛ گروهی موافق اشتغال و مشارکت فعال زن در عرصه اجتماع، همپای با مردان هستند و هیچ تفاوتی بین زن و مرد قائل نیستند و گروهی دیگر مخالف اشتغال و مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان در جامعه می‌باشند. هر کدام از دو گروه، برای دیدگاه خود، ادله‌ای ذکر کرده‌اند. ما در این تحقیق، دیدگاه سومی را که به مقاصد شریعت نزدیک‌تر و با اصول دین موافق‌تر و در عرف متداول‌تر است، - اشتغال مشروط و محدود زن - بیان می‌داریم.

الف) دیدگاه اول: مخالفان اشتغال زن در بیرون از منزل و ادله آنها

گروهی از اندیشمندان با مشارکت زن در جامعه و اشتغال وی مخالفند و می‌گویند: حضور زن در عرصه‌های اجتماعی، مخالف فطرت و سرشت و طبیعت وی است. این گروه منکر توانمندیهای زنان در عرصه‌های اجتماعی هستند و هر حضوری را به عنوان اشتغال، اگرچه اختصاص به زنان داشته باشد، منع می‌کنند و وظایف زنان را فقط در چهارچوب خانه تعریف می‌نمایند. این گروه معتقدند: زن برای خدمت مرد و بچه زایی و تربیت و مراقبت از کودک و رسیدگی به امور منزل خلق شده است، بنابراین جز برای کارهای ضروری، حق خروج از خانه و جز با محرم حق مسافرت را ندارد. اینان با استناد به برخی روایات، اصرار دارند که جای زن در منزل است و نخستین و آخرین وظیفه او شوهرداری و تربیت فرزندان است. کاشانی از فقهای بزرگ حنفی می‌نویسد: «از جمله حقوق مرد پس از ازدواج، این است که زن در خانه بماند و بیرون از منزل، به اشتغال نپردازد، و تأمین نیازهای زن بر عهده مرد است».

(۱۳) سرخسی دیگر فقیه حنفی می‌گوید: «معلوم است که زنان نمی‌توانند در خارج از منزل اشتغال داشته باشند؛ زیرا اشتغال زن موجب فتنه است» (۱۴). در برخی از کتب فقهی آمده است: اگر زن بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود، ناشزه محسوب، و مجازات وی عدم پرداخت نفقه است، بنابراین اشتغال زن در بیرون از منزل، مشروط به رضایت شوهر است. زنها، از قدیم، به خاطر اینکه نفقه را از دست ندهند و رضایت شوهر را به دست آورند، کمتر رغبتی به بیرون رفتن داشته‌اند. اندیشه این فقیهان مبتنی است بر:

۱. فطرت می‌طلبد که زن به امور خانه، بارداری، شیردهی، و نگهداری و تربیت فرزندان بپردازد؛ این دیدگاه از اندیشمندانی چون رشیدرضا نقل شده است. محمد حکیمی تحت تأثیر نظر رشیدرضا گوید: زن توانایی انجام کارهای سخت بیرون خانه را ندارد و می‌تواند علاوه بر کارهای منزل، به شعر سرایی و نویسندگی در درون منزل بپردازد. (۱۵)

در جواب این دو بزرگوار باید گفت: فطری بودن امور مربوط به خانه، مانع از اشتغال نیست و اگر بپذیریم که زن توانایی کارهای سخت را ندارد، در جامعه کارهایی که با وضعیت روحی و جسمی زن سازگار باشد، وجود دارد و باید دانست که تمامی کارها، به فعالیت سخت جسمی نیاز ندارند. می‌توان از نویسنده محترم بی‌رسید: چگونه زنان توانستند مشقتهاى هجرت را در عصر تنزیل تحمل کنند؟ و نیز حضور فعالی در غزوه‌ها در کنار پیامبر (ص) داشته باشند؟

۲. مصطفی سباعی گوید: تا وقتی بر شوهر شرعاً واجب است که نفقه بدهد، زن حق کار کردن را ندارد. او می‌افزاید: ماندن زن در منزل باعث می‌شود، از فریب و مکر مردان در امان بماند و جایگاه والا و شایسته خود را در جامعه حفظ کند. (۱۶) می‌توان در جواب سباعی گفت: این ادعا از پایه و اساسی برخوردار نیست؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که بتوان با آن ثابت کرد که زن حق اشتغال ندارد و همه مردان فریب‌کار و همه زنان فریب خورنده نیستند.

۳. اشتغال زن با روح و مقصد شریعت سازگار نیست و با نصوص و اصول کلی شریعت در تعارض است؛ براساس آیه ۳۴ سوره نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» و آیه ۲۲۸ سوره بقره «... وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...». مسئولیت هزینه زندگی با مرد است و او مکلف به تأمین خرجی زندگی زن است، اساس این تکلیف این است که زن مکلف به اشتغال نشود؛ زیرا او باید توان خود را صرف اموری نماید که خداوند در فطرت و سرشتش قرار داده است و اگر قرار باشد زن کاری را انجام دهد که مرد بدان مکلف است، این مستلزم تغییر قانون





خداوند است. این استدلال در صورتی حجت است که گفته شود: اشتغال تکلیف زن است، ادعای ما این است که اشتغال حق زن است نه تکلیف.

۴. اشتغال زن با قاعده اصولی «ما یترتب علیه محرّم فهو حرام» (۱۷) در تعارض است. براساس این قاعده، اشتغال زن هر اندازه شرافتمند و خوب باشد، چون باعث بیرون رفتن از منزل و خروج وی از پوشش و پرده نشینی می شود و اینها مقدمه گناه تبریج و خودآرایی هستند، حرام است. در جواب باید گفت: رعایت نکردن عفت و پاک دامن، ربطی به اشتغال ندارد. اساس تبریج عدم پایبندی به اخلاق دینی است.

۵. به فرض اینکه اشتغال زن از لحاظ اقتصادی به نفع خانه و جامعه باشد، اما به چه قیمتی؟ آیا درست است که به قیمت از هم پاشیدن خانواده و زیر پا گذاشتن ارزشهای اخلاقی به نان و نالنگ رسید؟ و جز این است که غایت اشتغال، مال اندوزی باشد که این در شریعت جزء تحسینات و یا حاجیات است، بنابراین آیا درست است که ضروریات (حفظ دین نسل و خانواده مسلمان) فدای آن شود؟ واضح است که ضرورت بر حاجی و تحسینی مقدم است.

۶. مودودی گوید: «بیرون رفتن زن از خانه برای اشتغال، یعنی اختلاط با مردان و در این اختلاط، فساد و تباهی نهفته است؛ زیرا اسباب این معصیت که سبب آن فتنه نگاه به زن نامحرم و شنیدن صدای زن است، مهیا است» (۱۸). پاره‌ای از اندیشمندان که با ایده مودودی مبنی بر ماندن زن در منزل و حبس خویشتن برای همسر و فرزند موافقت، استدلال می کنند که علت این نظریه، دلایل علمی است که اثبات می کند؛ ذکاوت و تواناییهای جسمانی زن، کمتر از مرد است.

۷. کار کردن زن در خارج از منزل، موجب اختلال در مسئولیت اجتماعی می شود که اسلام آن را میان زن و مرد تقسیم کرده است؛ اسلام قوامت و تأمین هزینه را به عهده مردان و ایجاد آسایش و آرامش در خانه را به عهده زنان گذاشته است.

۸. از نصوص شرعی فهمیده می شود که زن باید تابع مرد باشد، ولی اشتغال باعث می شود که زن خود را در مقابل مرد ببیند و در عرصه اشتغال به رقابت بپردازد و چون از لحاظ مادی تأمین است، در خود نیازی به مرد نمی بیند و این سبب می شود که ضمن کم شدن روابط پر عاطفه خانوادگی، نظام خانواده از هم پاشیده شود، همان چیزی که امروز غرب از آن می نالد.

۹. اشتغال زن در خارج از منزل اثرات و پیامدهای منفی دربر دارد از جمله:

- کاهش زاد و ولد زنان شاغل به نسبت زنان خانه دار: به تجربه ثابت شده که زاد و ولد در خانمهای شاغل از بین رفته

و یا کاهش یافته است و نیز غالب زنهایی که شاغلند فرصت شیردهی را از دست می دهند و به عللی علاقه‌ای به بارداری و شیردهی نشان نمی دهند.

- از هم پاشیدگی شالوده خانواده: دوری زن از محیط خانه، کم کم سبب از بین رفتن عشق و علاقه در میان اعضای خانواده می گردد، فرزندان عملاً مادر را از دست می دهند و در فضای بدون عشق و مهر مادر رشد می کنند.

- معمولاً زنان شاغل یا از خدمتکار استفاده می کنند که در کارهای خانه و پرورش کودک، به آنها کمک کنند و یا اینکه بچه را به پرورشگاه می برند که در صورت اول نتیجه چنین است که زن کار اصلی، فطری و اساسی خود را به کسی سپرده که قطعاً نمی تواند نقش مادری وی را ایفا کند و چه بسا خدمتکار با تربیت بد و غیراصولی، اخلاق کودکان را تباه کند. پرورشگاه و مهد کودک نیز علاوه بر اینکه غالباً بهداشتی نیستند؛ جای مادر را پر نمی کنند.

- اشتغال زنان غالباً باعث بیکار شدن تعداد بسیاری از مردانی می شود که مسئولیت خرجی زندگی را بر عهده دارند؛ زیرا زنان همان کار را با حقوق بسیار ناچیزی انجام می دهند.

۱۰. اشتغال زن در بیرون از منزل، باعث اختلاط نامشروع می شود، که آثار وخیمی در پی دارد از آن جمله:

- از هم پاشیدگی اخلاقی، غالب آمدن خواسته‌های حیوانی بر انسانیت انسان، از بین رفتن عفت و سلب آرامش از جامعه بشری که همگی از آثار بی بند و باری و آزادی جنسی و اختلاط نامشروع زن و مرد در محیط کار هستند.

- افزایش فرزندان نامشروع: یکی از آثار بی بند و باری و حضور زنان در صحنه کار در بیرون از منزل، افزایش فرزندان سر راهی و غیر قانونی است، وقتی زنان در عرصه‌های شغلی قدم می گذارند و اختلاط نامشروع رخ می دهد، موانع و خط قرمزها بین زن و مرد کم رنگ می شود و گاهی از بین می رود. - افزایش افرادی که به تشکیل خانواده علاقه مند نیستند:

اختلاط و پرده‌داری و خود آرای بانوان شاغل و از بین رفتن موانع و خط قرمزها و وجود راههای ارضای غرایز شهوانی بدون تحمل هزینه ازدواج و تشکیل خانواده، سبب شده است؛ بسیاری از جوانان این راه آسان را انتخاب کنند و به خیال خود به جای زندگی یکنواخت و تکراری، هر روز با یکی و در فضایی متنوع به سر می برند و خود را ارضا می نمایند و نیازی به گرفتاریهای همسر داری و تربیت فرزند ندارند. نتیجه چنین برداشتی از زندگی، وجود دختران سرگردان بی شماری است که روزهای جوانی خود را بدون همسر با جوانان ولگرد و لاپالی که در پارکها پرسه می زنند، می گذرانند.

- افزایش طلاق: کثرت طلاق در کشورهای که بانوان شاغل در آنها زیاد است، این ادعا را به اثبات می‌رساند.

- افزایش بیماریهای جنسی و عصبی: اختلاط متأثر از مشارکت فعال زنان در عرصه اجتماع و روابط نامشروع جنسی، باعث شده، بیماریهای مسری، اختلالات عصبی و روانی، دیوانگی و ناهنجاریهای جسمی هر سال هزاران قربانی به جا گذارد. ایدز یکی از بیماریهاست که منشأ اصلی آن ارتباط نامشروع جنسی افراد است.

باید به اعجاز پیامبر عظیم الشان(ص) اعتراف کرد و سر تعظیم فرود آورد که فرموده است: «لم تظهر الفاحشة فی قوم قط حتی یعلنوا بها إلا فسا فیهم الطاعون والأوجاع اللتی لم تکن مضت فی أسلافهم الذین مضوا» (۱۹)

(ب) دیدگاه دوم: موافقان اشتغال بدون محدودیت و ادله آنها

قدر مسلم اینکه همه فقیهان اتفاق نظر دارند که حداقل زن در دو حالت حق دارد، برای کسب و کار از منزل خارج شود، خواه شوهر اجازه دهد یا ندهد و تردیدی نیست که این خروج نشوز به حساب نمی‌آید و آن دو حالت عبارتند از: اول، بیرون آمدن از خانه جهت اکتساب نفقه: «اگر شوهر فقیر باشد و توان تأمین هزینه زندگی خانواده را نداشته باشد، زن حق دارد جهت تأمین نفقه، از خانه خارج شود و به اشتغال بپردازد و نشوز هم به شمار نمی‌رود» هرگاه شوهر مستمند باشد، زن حق دارد برای اکتساب نفقه از منزل بیرون رود» (۲۰). دوم، خارج شدن زن از خانه به خاطر دریافت یا ادای حق: جمهور فقیهان گویند که خارج شدن زن به خاطر دریافت حقوق یا ادای حق دیگری نشوز به شمار نمی‌رود. مثل اینکه خانم معلم یا پزشک و یا پرستار باشد و یا اینکه قبل از عقد ازدواج، قراردادی برای انجام کاری با شخص حقیقی یا حقوقی منعقد نموده باشد و شوهر با اطلاع قبلی از شغل زن یا قرارداد مسبوق، یا وی ازدواج کرده باشد. به عنوان نمونه فقیهان در این باره می‌گویند: «اگر زن قابله یا غاسله باشد، یا بر کسی حقی داشته باشد، می‌تواند با اجازه و بدون اجاز شوهر از منزل خارج شود».

(۲۱) بنابراین شوهر حق باطل کردن کلیه حقوق و قراردادهایی را که قبل از عقد ازدواج منعقد شده و به ثبت رسیده است، ندارد و بعد از اتمام قرارداد، خارج شدن زن از منزل باید با اجازه شوهر باشد. «فان أجزت ثم تزوجت صح العقد و لم یملک الزوج فسخ الإجارة و لا یمنعها من الرضاة حتی تنقضی المدة أشبه ما لو أشتري أمة مستأجرة او دارا مستعارة» (۲۲) اشتغال در شریعت اسلام به خاطر رفع نیاز شخصی و اجتماعی است. مسلمان مکلف است برای تحصیل ما یحتاج، از نفقه،

ملبس و مأکل و مسکن به کار بپردازد تا سر بار جامعه اسلامی نباشد و از سویی موظف است، جهت برطرف کردن نیازهای جامعه از باب تعاون بر و تقوا، تخصص و حرفه و فن خود را در اختیار افراد جامعه قرار دهد، هر کس به فراخور استعداد و توانمندی که خداوند به وی بخشیده، نیروی کار خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهد، در این گونه موارد، شاید شخص نیاز به کار نداشته باشد و کسانی که خرجی آنها بر دوش اوست، از کار و کسب و امرار معاش و درآمد بی‌نیاز باشند، ولی جامعه به کار وی احتیاج دارد، تردیدی نیست و فقیهان نیز متفق القولند که کار کردن شخص در چنین حالتی واجب است؛ زیرا حقوق عمومی بر حقوق شخصی علی القاعده مقدم است. گاهی کار و کسب برای دریافت مزد نیست، بلکه به خاطر کسب اجر و ثواب و پاداش اخروی است، مثل آموزش حرفه‌های مختلف به دیگران، شرکت کردن در جهاد، دعوت به دین اسلام و ... که شرایط و ظروف حکم این کارها، با توجه به ضرورت یا عدم ضرورت، احکام فرض عین، فرض کفایه و سنت، مشخص می‌شود.

شاید نیازی به استدلال نباشد که از حقوق اولیه و بنیادین هر انسانی اشتغال است و بلکه استمرار حیات انسانی بستگی به کار و کوشش وی در عرصه حیات دارد و حق آزادی کار، برای هر انسانی که نیازمند به تهیه امکانات زندگی است، از قطعیات و مسلمات است و در اینجا تفاوتی ندارد که انسان زن باشد یا مرد؛ زیرا هر دو نیازمند جلب منافع و دفع ضررها از زندگی هستند و بدون کار و تلاش، تحصیل منافع و دفع ضررها امکان‌پذیر نیست. هر انسان زنده‌ای نیاز به خوراک، آب، پوشاک، مسکن و ... دارد و لازمه این امکانات اولیه و ضروری برای زندگی، کار و تلاش است. انسان اگر نیازمندیهای اولیه‌اش برآورده نشود، ادامه زندگی برایش دشوار و گاهی ناممکن است. چه بسا کسی مایحتاج زندگیش تأمین باشد و نیازی به کار کردن نداشته باشد، ولی نباید فراموش کرد که انسان عضو کوچکی از دنیای پهناور است و جهان هستی کلی است که همه اجزایش با همدیگر پیوند ناگسستنی دارند و زندگی انسانها مدنی و جمعی است. زمانی انسان می‌تواند از کار و تلاش خودداری کند که همه نیازهای انسانها تأمین شده باشد و این غیر ممکن است و خلیفه بودن انسان در زمین «إِنْسِي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره، ۳۰)، معنایی جز این نمی‌تواند داشته باشد که وی باید تا زنده است، کار کند و دنیا را آباد نماید. در این مفاهیم هیچ‌گونه تفاوتی بر اساس آموزه‌های دینی میان زن و مرد وجود ندارد و تنها تفاوتی که بین زن و مرد وجود دارد، این است که زن از جانب خدای عزوجل مکلف به





تأمین معاش و کسب و کار نشده است.

براساس متون قطعیه شریعت، منعی در اشتغال زن وجود ندارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حکم به منع زن از اشتغال، سلیق، عرف و شرایط و ظروف اجتماعی است که گاهی فقیهان را وادار به این‌گونه فتاوی می‌کند. نه تنها نصوص کلی و عام شریعت، اشتغال زن را منع نکرده، بلکه عملکرد زنان مسلمان در عصر تنزیل گواهی محکم بر این است که اشتغال مباح و گاهی تکلیف است؛ زیرا آنها با مراعات قواعد نظم اجتماعی به مشاغل و حرف‌گوناگون از قبیل: تجارت، کشاورزی، دامداری و خدمات عمومی اشتغال داشته‌اند و بر حسب عرف رایج، منعی در کار کردن خود و ورود به صحنه اجتماع نمی‌دیدند. اساس تفکر این گروه، مبتنی بر موارد ذیل است:

۱. اشتغال برای زن باعث توسعه فکری و وسعت افق دید می‌شود، عوامل و ابزار سازنده شخصیت زن رشد می‌یابد، و او را از ستم‌پذیری و خواری‌رهایی می‌بخشد. مختصر کلام اینکه اشتغال و تحصیل باعث رشد و ارتقای منزلت اجتماعی زنان می‌شود و فرصتی برای حضور فعال و رقابتی در تعامل با مردان پیدا می‌کند.

۲. از آن جهت که نصف جامعه زن است، عظمت و بزرگی جامعه محقق نمی‌شود مگر با حضور فعال زنان در صحنه اشتغال؛ زیرا جامعه‌ای که نصف آن از کار باز مانده، قطعاً فاقد رشد و ترقی است و از دنیای پیشرفته امروزی عقب می‌افتد.

۳. همان استعداد و درک و پتانسیل که خداوند به مرد عطا فرموده، به زن نیز بخشیده است و خداوند این توانمندی را داده که از آن استفاده شود و در رشد و شکوفایی و آبادانی زمین به کار گرفته شود، نه اهمال شود؛ زیرا به کار نبردن استعدادها در جامعه؛ یعنی بی‌توجهی به عطا و بخشش خدای عزوجل و کم‌کاری انسان در مسئولیت محوله، و از سوی دیگر اهلیت ندادن به زن در فراهم کردن ضروریات زندگیش، به مثابه نادیده گرفتن حقوق وی است، چرا که اگر مرد در همه مسائل مربوط به زن مسئول قلمداد شود؛ یعنی همه حقوق را به خود اختصاص داده است و عملاً ضمن تداخل حقوقی، بهره‌ای از حقوق برای زن نمی‌ماند و در این صورت زن، به حیوانی خوش اندام می‌ماند که صاحبش برای دل‌داری دانش، نیازمندبهاش را فراهم می‌کند.

۴. تأمین کسری هزینه خانواده: اشتغال زن کمک هزینه‌ای است برای پدر یا ... که مسئولیت هزینه زندگی را به عهده دارند.

۵. اشتغال زنان در عصر تنزیل و خلفا، به صورت گسترده رایج بوده است. به عنوان نمونه: عمر، شفاء دختر عبدالله را مسئول حسبه بازار نمود، و تنها دلیل فقها بر اینکه در تولیت حسبه،

مرد بودن را شرط نکرده‌اند، این عملکرد عمر است؛ استناد کرده‌اند به فرمایش خدای عزوجل «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه، ۷۱) و آیه «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...» (آل عمران، ۱۰۴). در این دو آیه، خدای عزوجل مؤمنان زن و مرد را فرمان می‌دهد که در جهت امر به معروف و نهی از منکر به پا خیزند و در این راستا، یار و یاور همدیگر باشند، تا رستگار شوند و «خیر امة» بودن در جامعه اسلامی محقق گردد. قول ابن حزم و طبری و ماوردی نیز همین است، نیز در الاستیعاب آمده است که سمره دختر نهیک اسدی عهده‌دار حسبه بود. معروف است که وی در بازار رد می‌شد و امر و نهی می‌کرد و با تازیانه‌ای که در دست داشت، کار را پیش می‌برد و از این طریق، مسئولیت خویش را به جدیت، انجام می‌داد. (۲۳) برخی زنان در عصر خیر قرون متصدی امر فتوا و نشر علم شده‌اند، به ویژه زنان پیامبر(ص). برخی از زنان در غزه‌ها شرکت کرده‌اند و در برخی از جنگها مثل جنگ جمل، زن یکی از تصمیم‌گیرنده‌ها بوده است. وارد است که رفیده اسلمی انصاری به مامایی و پرستاری و مداوای مسلمانان اشتغال داشته و معروف است که رسول الله(ص) در مسجد خیمه‌ای برایش برپا نمود که به مداوای مجروحان جهاد بپردازد. (۲۴)

۶. رهایی از محیط یکنواخت خانه و پر کردن اوقات فراغت: اشتغال در بیرون از منزل، باعث می‌شود که زن از محیط یکنواخت خانه رهایی یابد، از سویی می‌تواند هزینه عدم حضور خود در منزل را تأمین کند. در واقع اشتغال وسیله متحول ساختن زندگی و بیرون آمدن از یکنواختی است، که خود عامل استمرار حیات خانوادگی می‌شود.

۷. به دست آوردن پشتوانه‌ای برای دوران کهنسالی، به ویژه برای زنانی که موفق به ازدواج نمی‌شوند و یا در سنین جوانی شوهران خود را به سبب طلاق یا فوت از دست می‌دهند.

۸. کار در خانه از نگاه جامعه یک نوع اتلاف وقت است و شایسته نیست انسان عاقل توانمند به جای مشغول شدن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، عمر خود را در آشپزخانه، و برای تربیت بچه، و خدمت به شوهر و خانواده سپری کند. سردمداران این فکر در جهان اسلام، رفاعة طهطاوی، قاسم امین، طاهر حداد، محمد مهدی الحجوی، محمد عبده و همفکرانشان هستند.

۹. الگوی رشد، پیشرفت و ترقی، غرب است، در غرب زنان همچون مردان، در عرصه اشتغال فعال هستند، چنانچه بخواهیم، به رشد و پیشرفت غربی دست یابیم، باید در همه مسائل از تجربه آنها بهره‌گیریم.

۱۰. کار کردن زن به نفع شخصیت خود اوست و سبب رشد اجتماعی و فرهنگی زن می‌شود؛ زیرا در خلال کار، مستقیماً با جامعه و مشکلات درون آن آشنا می‌شود و از این طریق، به عنوان عضو تأثیرگذار، شخصیت خود را بروز می‌دهد و تجربه کسب می‌کند و مسلم است که در چهارچوب خانه، به این بالندگی شخصیتی دست نمی‌یابد.

ج) دیدگاه سوم و قول مختار: موافقان اشتغال مشروط و محدود

شایسته است فقهای معاصر، براساس قواعد فقهی و اصول مذهب و کتاب و سنت و دیگر ادله فقه، همچون سلف صالح خود با توجه به شرایط و ظروف، مسائل جدید را بر ادله فقه عرضه دارند و اجتهادی درخور زمان ارائه دهند و به تقلید کردن از نوشته‌های فقهی گذشتگان بسنده نکنند.

دین اسلام از بدو پیدایش، معالجه‌گر امور اجتماعی بوده است. برخی از آداب و رسوم عرب جاهلی را امضا و تأیید کرد و برخی را تعدیل، و پاره‌ای از تقالید و رسوم را، با حکمت و براساس قانون تدریج به تدریج از بین برد، و قوانینی را تأسیس نمود که با فطرت انسان اعم از مرد و زن برای زندگی سازگار بود. در قرآن در مورد کارکردن زن، مطلبی به صراحت بیان نشده، اما متون قطعی شریعت، هیچ‌کدام بر خلاف آنچه شهرت یافته است، از نظریه حرمت اشتغال زن آن‌گونه که برخی فقهای نظر داده‌اند، جانب‌داری نکرده است.

زنان مسلمان عصر تنزیل، چنانچه پیش‌تر بیان شد، به مشاغل و حرفه‌های گوناگون مانند تجارت، دامداری، کشاورزی و... اشتغال داشته‌اند که فهرست عمده مشاغل عصر تنزیل را در مدینه منوره تشکیل می‌داده‌اند. اسلام همان‌طور که حق کار کردن را برای مرد بدیهی می‌دانست، در مورد زن نیز چنین بود. از جمله زنان شاغل در عصر تنزیل ام‌شذ بنت قیس بود، وی در زمان رسول خدا(ص) خرما می‌فروخت. اسماء بنت مخرمه بن جندل عطر فروش بود و از یمن عطر وارد می‌کرد و در مدینه می‌فروخت. برخی از زنان تجارت خارجی می‌کردند و با کشورهای مجاور داد و ستد داشتند و ثروتمند بودند، مثل هند بنت عتبه و خدیجه بنت خویلد اولین همسر پیامبر گرامی اسلام. مشهور است که زینب بنت جحش به صنایع دستی اشتغال داشته است. زنی به نام زینب پزشک قبیله بنی‌داود بود و مریضان را مداوا می‌کرد. زنانی مثل ام‌هانی به دامداری اشتغال داشتند. ام‌بنی‌تمار به تجارت اشتغال داشته است. (۲۵) با اینکه همه اتفاق دارند که قرآن درباره حرمت و ممنوعیت کار زن در خارج از منزل، چیزی بیان نکرده است و همچنین در احادیث، مطلبی که ممنوعیت و حرمت اشتغال

زن را برسانند، وجود ندارد. با این وجود، آیا امروز می‌توانیم بگوییم، اشتغال زن در خارج از منزل مشروع نیست؟ قرآن کریم مالکیت، اهلیت مالی و تصرف مالی را برای زن به رسمیت شناخته است. شریعت اسلامی اجازه می‌دهد؛ زن مانند مرد، به طور مشروع مالک اموال اعم از منقول و غیر منقول شود و از امکانات و مواهب خداوندی بهره‌مند گردد. در قرآن در موارد بسیاری، حق مالکیت برای زن، به رسمیت شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید: «... و زنان هم نصیبی دارند از آنچه کسب می‌کنند» (نساء، ۳۲). شوکانی می‌گوید: «قرآن در این آیه، بر خلاف قاعده مألوف، کلمه «نساء» را به کلمه «رجال» عطف نکرده، بلکه به طور جداگانه و مستقل به کار برده است، تا بر استقلال زنان از مردان در امر ارث و مالکیت تأکید کرده باشد» (۲۶).

زن مسلمان در قرآن و سنت، از اهلیت کامل حقوقی و سیاسی برخوردار بوده و تمامی معاملات و اعمال حقوقی نافذ است. زن در متون مسلم اسلامی، به هیچ‌رو از حیث حقوقی و سیاسی، محجور شمرده نشده است و حجر زن در نظام حقوقی اسلام، به هر نحوی که باشد مردود است. شریعت محمدی(ص) حق مالکیت و معاملات زن را به رسمیت شناخته و تمام عقود مالی او را دارای آثار حقوقی و مسئولیت مدنی دانسته است. زن در نگاه فقیهان، مجبور نیست برای خود یا خانواده‌اش کار کند و نفقه زن بر مرد واجب شرعی است، مگر اینکه احتیاج به شغل داشته باشد. مطلب عمده در فرهنگ اشتغال زن از نگاه فقیهان شافعیه، حفظ جایگاه و منزلت زن است و این امر باید در اشتغال زنان لحاظ گردد.

در دیدگاه فقیهان، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت دارد و از اهمیت خاصی برخوردار است و در کنار آن به عنوان نقش دوم بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است. فقه، اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند، بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد و اشتغال را به عنوان یکی از راههای افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد زنان و در جهت تعالی و کمال آنان برمی‌شمارد. بنابراین نگرش جامعه ما به زن و اشتغال، از منظر حفظ هویت دینی و نقش مادری و همسری صورت می‌گیرد. حق اشتغال زن که فقیهان امضا کرده‌اند، پذیرش این ایده است که زن انسان است و باید مورد احترام و تقدیر قرار گیرد. پس علت اینکه برخی فقیهان و اندیشمندان، نظر به حرمت اشتغال زنان داده‌اند، چیست؟ شاید عوامل متعددی منجر شد، برخی فقیهان از همان ابتدا فتوای تحریم اشتغال زن را بدهند، گذشته از گرایشهای شخصی، بازتاب







اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه نیز در فتاوی فقیهان بی تأثیر نبوده است. پیشینه مشترک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در صدسال، - فاصله میان وفات پیامبر(ص) و ظهور فقه - بر جای ماند، به شکلی پنهان و پیچیده، قواعد فقهی را سمت و سو می داد، کشورگشاییهای مسلمانان و استقرار آنها در جوامع دیگر و آمیختگیشان با امتهای و ادیان و باورهای جدید، موجب واکنشها و پیامدهایی در تمامی زمینهها، از سوی مسلمانان شد، برخی از این پیامدها مربوط به زن بوده است. بیم مردان از آبرو و ناموسشان موجب فشار و سخت گیری بر زنان و خانه نشینی آنان شد، مردان می ترسیدند زنان مسلمان با مردهای غیر عرب و غیر مسلمان اختلاط پیدا کنند. به مردان مسلمان اجازه داده شده بود، با زنان غیر مسلمان ازدواج کنند، ولی ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان به راحتی انجام نمی شد. اندیشه ازدواج زن عرب با نژاد دیگر پذیرفته نبود و اگر ازدواجی صورت می گرفت، به زور فسخ می شد، و نیز حضور زنان در درگیریها و جنگها تشدید می شد، و نیز آنچه بر شمریم باعث شد مردان بر زنان سخت گیرند و از فعالیت آنها جلوگیری کنند، گرچه در قرآن و سنت، دلیلی وجود نداشت که زن را از حضور و فعالیت در عرصه اجتماع و مشارکت اجتماعی بازدارد.

شاید بتوان حدس زد حقوق بسیار و آزادی گسترده و برابری حقوق و تکالیف زن و مرد به عنوان انسان که اسلام به ارمغان آورد، قابل تحمل برای اندیشه مردسالاری حاکم بر آن زمان نبوده است، بنابراین موجب شد که مردان سعی نمایند زن را در چهار دیواری خانه محبوس دارند و چه بسا احادیث دروغینی نیز در صحت عمل خود جعل کنند، مثل حدیث: «اگر زن بدون اجازه همسر از خانه بیرون رود، هرچه که خورشید و ماه در آن بتابد، زن را نفرین می کند، مگر اینکه شوهر خشنود شود.» (۲۷)

برخی از فقیهان در بیان حکم تحریم اشتغال زن در بیرون از خانه، به این فرمایش خدای تعالی استدلال کرده اند: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب، ۳۳). علما در مورد این آیه، آراء مختلفی دارند:

۱. وجوب ماندن در خانه، و این نظر جمهور مفسران است. آنها می گویند: قرن، فعل امر از قرار و امر مقتضی وجوب است. نیز به مقتضای عقل، آیه امر می کند که زنان در خانه بمانند و حق بیرون رفتن از آن را جز در موارد ضرورت، ندارند. از جهتی خوف فتنه و تبرج است و از باب سد ذریعه، این گروه از مفسران نظر به خارج نشدن زن از خانه داده اند. (۲۸)
۲. برخی نیز معتقد به استحباب ماندن زن در خانه هستند، این

حجر عسقلانی نیز همین رأی را بیان کرده است. (۲۹) استدلال این گروه به فرموده خدای تعالی: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسَكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ...» (نساء، ۱۵) است. گویند بر اساس این آیه، حبس شدن زن در خانه اصل نیست، بلکه اگر ارتکاب فاحشه صورت گرفت، حکم حبس جاری است. نیز استدلال کرده اند به فرموده خدای عز و جل: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَيْصَارِهِمْ...» (نور، ۳۰)، در این آیه خداوند به زنان و مردان فرمان می دهد که غض بصر (چشم فرو بستن از نامحرم) کنند و این دلیل است بر جواز خروج زن از خانه؛ زیرا فرمان به چشم فرو بستن بدون خارج شدن زن و اختلاط وی با مرد و مشارکت زن در عرصه اجتماع، معنا پیدا نمی کند. نیز پیامبر(ص) فرموده است: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله...» (۳۰) حدیث دلالت دارد بر اینکه مردان، مانع حضور زنان در مسجد نشوند و این می رساند که ماندن زن در خانه مستحب است، اگر واجب بود، پیامبر به آنها اجازه نمی داد که به مسجد آیند. همچنین استدلال شده است به خارج شدن عایشه به عراق در واقعه جمل. (۳۱) نیز روایت شده است که عمر اجازه داده است که زنان پیامبر به حج و عمره روند و صحابه این عملکرد عمر را انکار نکرده اند و رأی عثمان و عبدالرحمن بن عوف و مغیره بن شعبه و دیگران نیز همین بوده است و حداقل می توان آن را اجماع سکوتی به حساب آورد.

اسلام، زن را به عنوان رکن مهم زندگی و متمم حیات انسانی و عضو مهم و مؤثر جامعه بشری قلمداد می کند و او را در رأس امری عظیم قرار داده است که همان تولید و تربیت نسل بشر است. یعنی در دامن زن است که انبیای الهی و اولیا و بزرگان برای خدمت به بشریت، تربیت می شوند. اسلام ضمن اینکه برای هر کدام از زن و مرد، تکالیف خاصی مشخص کرده است، در خانواده نیز زن و شوهر را مکمل یکدیگر می داند و بر مشارکت هر دو در تربیت فرزندان تأکید دارد. همه فقیهان قبول دارند که در نظام اسلامی، زن از کلیه حقوقی که مرد دارد، برخوردار است. مثل حق تحصیل، حق اشتغال، حق مالکیت، حق رأی دادن و حق رأی گرفتن. در اینجا در تبیین این ادعا، ادله ای ذکر می شود:

خداوند در داستان حضرت موسی(ع) بیان می دارد (قصص، ۲۶) که یک زن اظهار نظر می کند و رأی خود را اعلام می دارد و این رأی مورد قبول قرار می گیرد و مایه بسیاری برکات و خیر می شود: زیرا بلافاصله پدر به موسی(ع) می گوید: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو در آورم...» (قصص، ۲۷). خداوند در ما قبل این آیات، نوعی اشتغال زن

دامداری) را معرفی می‌کند که زنان بدان اشتغال داشته‌اند. «پس چون (موسی) به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که دامهای خود را آب می‌دادند و پشت سرشان دو زن را یافت که گوسفندان خود را دور می‌کردند (موسی) گفت: منظورتان از این کار چیست؟ (آن دو گفتند:) ما به گوسفندان خود آب نمی‌دهیم تا شبانان (همگی گوسفندانشان را) برگردانند، و پدر ما پیر و سالخورده است...» (قصص، ۲۳ به بعد).

در این آیات، نکاتی در خور توجه و شایسته تأمل، نهفته است که با بحث اشتغال ارتباط تنگاتنگ دارند:

۱. سخن گفتن موسی (ع) با آن دو دختر: نتیجه اینکه صدای زن عورت نیست، چنانچه برخی فقیهان گفته‌اند.

۲. اثبات اشتغال مشروط برای زن در وقت ضرورت؛ زیرا در اینجا دختران گفتند: چون پدر ما پیر و سالخورده است، ما شبانی می‌کنیم، که شبانی همان دامداری و شغل رایج در آن زمان بوده است. نتیجه اینکه اگر ضوابط شرعی و مقررات دینی رعایت شود، نه تنها اشتغال قبیح و ممنوع نیست، بلکه مستحسن نیز می‌باشد.

۳. خروج زن از خانه بدون محرم: اگر فتنه‌ای نباشد، زن حق خارج شدن از خانه دارد؛ زیرا آن دختر به دستور پدر دنبال موسی (ع) رفت و او را به خانه آورد.

۴. رعایت حیا، پاک‌دامنی و اختلاط نداشتن با مردان تا حد امکان: در این آیات می‌بینیم؛ دختران، در گوشه‌ای گوسفندان را نگاه می‌دارند تا بعد از خلوت شدن و کنار رفتن شبانان، گوسفندان خود را آب دهند. در اینجا چون اختلاط با مردان ضرورت نداشت، آنها به اصل عدم اختلاط عمل کرده‌اند، نتیجه اینکه اگر زن به اشتغال نیاز دارد، تا حد امکان از اختلاط با نامحرمان بپرهیزد.

۵. وظیفه مردان شاغل آن است که در کنار زنان حیا و عفت داشته باشند و از حضور زن سوء برداشت و سوء استفاده نکنند. هر زنی که پا به عرصه اجتماع گذاشت، هرزه نیست که مورد طمع گرگ صفتان باشد. همان‌طور که موسی (ع) جوانمردانه گوسفندان را آب می‌دهد و آن‌گاه در گوشه‌ای به استراحت می‌پردازد (قصص، ۲۴).

۶. زن زمانی حق ورود به عرصه اشتغال دارد که نیازی شخصی یا اجتماعی اقتضا نکند، بنابراین وقتی احتیاج منتفی باشد و مردی بتواند تکلیف را از زن ساقط کند، قطعاً خود زن نیز علاقه‌ای به کار کردن ندارد. این دو دختر، چون مردی نبود، خود کار آب دادن به گوسفندان و شبانی را به عهده داشته‌اند؛ «و پدر ما پیر و سالخورده است» (قصص، ۲۳). حال که مردی امانت‌دار و نیرومند و مورد اعتماد (موسی) وجود دارد، لزومی

ندارد زن خود را به کار گمارد. به همین دلیل پدر (آن دو) بعد از استخدام موسی (ع)، کار شبانی را به او سپرد و تفسیر این عملکرد، این است که اصل برای مرد، کار کردن است و اصل برای زن، رسیدگی به امور خانه و خانه‌داری و تربیت فرزند است. نتیجه اینکه کار و اشتغال برای مرد اصل و برای زن استثنا است. این یک حقیقت است و کسی تردیدی ندارد. کدام زن با وجود تأمین بودن و نیاز نداشتن به اشتغال، فضای راحت و آرام خانه را وامی‌گذارد و به محیط پر دردسر کار روی می‌آورد.

۷. چگونگی برخی فقیهان معتقدند که زن حق خارج شدن از منزل ندارد و نباید با مردان اختلاط داشته باشد، در حالی که در قصه موسی (ع) یکی از دختران نزد وی آمد و گفت «پدرم تو را می‌طلبد تا پاداش کارت را بدهد» (قصص، ۲۵). چنان که در آیه تصریح شده، بیرون رفتن زن از خانه با حفظ آرزوم و حیا، هیچ‌گونه اشکال شرعی ندارد.

خداوند به زن آزادی عمل در همه عرصه‌های زندگی بخشیده است، حتی در انتخاب اعتقاد و ایمان، زن در پذیرش و عدم پذیرش حوزه دین مثل مرد مختار است. خدای عزوجل در سوره تحریم، ضمن بیان این مطلب، حضور فعال زن را در عرصه اجتماع به تصویر می‌کشد (تحریم، ۱۰ و ۱۱). خداوند در این آیات، بیان فرموده است که زن دو پیامبر کافر بودند و زن یک کافر (فرعون) مسلمان بود و این دلیل صریح بر آزادی زن در پذیرش عقیده و ایمان است.

خداوند در سوره نحل، از زنی نام می‌برد که ریاست مملکتی را عهده‌دار و در امور و اداره کشور موفق است. نه تنها چون مردان فرمانروا، مستبد و دیکتاتور نیست، بلکه در فرمانروایی دارای تدبیر و مشورت است (نمل، ۲۹-۳۵). در این آیات، علاوه بر اثبات فرمانروایی یک زن در یک مملکت، از حسن تدبیر وی نیز سخن به میان آمده است که اولاً، به پادشاهی خود نمی‌نازد و غرور وی را دربر نمی‌گیرد، ثانیاً با وزیران مشورت می‌کند و درخواست سلیمان (ع) را با یک هدیه پاسخ می‌دهد، آن هم نه به قصد رشوه دادن، بلکه می‌خواهد ببیند که اوضاع چگونه است، تا با شناخت بیشتری اقدامات لازم را انجام دهد.

در فرمانروایی وی خشونت و استبداد وجود ندارد. او بعد از دیدن قدرت الهی سلیمان (ع)، تسلیم وی می‌شود و اعتراف به قدرت ضعیف بشر در مقابل قدرت و عظمت سلیمان (ع) می‌نماید که فرمانروایی خود را از جانب خدا دریافت کرده بود (نمل، ۴۴). این آیات، اهلیت مدیریتی و اداری و حسن تدبیر زن را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وضوح بیان می‌دارند.





اسلام به زن حق آزادی علم آموزی، تعلیم و تعلم داده است. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم». علمای اسلام اتفاق دارند که در اینجا «مسلم» عمومیت دارد و زن و مرد را شامل می‌شود. بنابراین لازم است زن مسلمان، کلیه علمی را که در زندگی به آن نیازمند است، در زمینه‌های گوناگون، در عقیده، عبادت، اخلاق، علم حلال و حرام، و دیگر علوم شرعیه تا درجه اجتهاد و علوم و فنون دنیوی، یاد بگیرد. این دلیل است بر مشارکت زن در عرصه اجتماع؛ زیرا دریافت علوم، به خصوص در امروز، لازمه‌اش حضور در مجامع علمی است. ابن حزم ظاهری می‌گوید: «بر هر زن واجب است، در همه مواردی که به زندگی‌اش مربوط می‌شود، آموزش ببیند... اگر زنی در علوم دینی مجتهد شود بر ما (مرد و زن) واجب است که پند و اندرزهای او را بپذیریم و از علوم او بهره‌مند شویم، همان‌طور که مردان در عصر تنزیل از زنان پیامبر(ص) و زنان دیگر علوم شرعی دریافت می‌کردند و نقل آنها حجت به شمار می‌رفت». (۳۲) فقیهان تصریح نموده‌اند که علمی مثل پزشکی، آهنگری و بافندگی از فروع کفایی به شمار می‌رود و بر مرد و زن لازم است که به اندازه رفع نیاز جامعه از این علوم فراگیرند. بنابراین برای هر زن مسلمانی که توانایی دارد، یادگیری علمی مثل پزشکی و کلیه علوم که برای درمان زنان نیاز است، لازم و فرض کفایی است؛ زیرا اگر زنانی که بتوانند بیماران زن را درمان کنند، نباشند، قطعاً زنان مجبورند به پزشک مرد مراجعه کنند. عبدالکریم زیدان به نقل از ابن عابدین آورده است: بر پدر واجب است که دخترش را به نزد زنی ببرد، تا حرفه و صنایعی مثل، خیاطی، گل‌دوزی، بافندگی و... فراگیرد. (۳۳)

احمد بن حنبل و بخاری روایت کرده‌اند که اسماء دختر ابوبکر در کنار شوهرش زبیر در مزرعه کار می‌کرد و بار سنگینی را چند فرسخی از مدینه به مزرعه می‌رساند. ربیع بنت معوذ انصاری گوید: همراه پیامبر(ص) جهاد می‌کردیم و در قسمت تدارکات، خدمات می‌رساندیم، آب می‌رساندیم، مجروحان و شهدا را به مدینه می‌رساندیم. ام عطیه گوید: در هفت غزوه همراه پیامبر(ص) شرکت نمودم... و برای مجاهدان غذا آماده می‌کردم و مجروحان را مداوا می‌نمودم. (۳۴) گاهی که ضرورتی پیش می‌آمد، زن مسلمان در رکاب پیامبر(ص) دست به شمشیر می‌شد: ام سلیم در جنگ حنین خنجر به دست گرفته بود، وقتی شوهرش از او پرسید: چرا این را به دست گرفته‌ای؟ گفت: آن را به دست گرفته‌ام تا چنانچه مشرکی به من نزدیک شد، شکمش را پاره کنم. ام عماره انصاری در جنگ احد، امتحان خوبی پس داد و پیامبر(ص) فداکاری وی

را ستود، خود را سپر پیامبر(ص) کرد که مبادا به پیامبر(ص) تیری اصابت کند. ام عماره در جنگ، ده جای بدنش زخم برداشت. (۳۵)

اسلام همان‌طور که افراط، بی‌بند و باری و اباحه‌گری امروز زنان را در جوامع بشری محکوم می‌کند، آن تعامل متحجرانه و خشک را که مانع بیرون رفتن زن و مشارکت وی در عرصه‌های اجتماعی است، نیز خلاف و ناصواب می‌داند و آن را محکوم می‌کند. نه آن اسلام است نه این؛ بلکه اسلام براساس توازن و دادگرانه به تشریح احکام و قوانین می‌پردازد. اسلام چیزی را به حساب چیز دیگری نمی‌گذارد. این نیست که حلالی را به خاطر چیزی حرام کند. در تشریح حقوق و تکالیف، افراط و تفریطی روا نداشته است.

برخی می‌خواهند جامعه ما را با غرب مقایسه و در نتیجه الگوهای غربی را مدل زندگی ما بسازند و بگویند: زن می‌تواند مانند و همپای مرد در همه عرصه‌های اشتغال وارد شود. ولی به دلایلی که در ذیل ذکر می‌کنیم، مقایسه کردن جامعه ما با غرب نادرست است:

۱. غرب برای ما حجت نیست، هر قومی فرهنگ خاص خود را دارد: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون، ۶).
۲. در غرب، زنان از روی ناچاری به بازار و کارخانه‌ها و کارگاهها پناه برده‌اند. زنان غربی چاره‌ای جز کار کردن ندارند؛ زیرا در جامعه بی‌ترحم و بی‌مروتی که بزرگ به کوچک، زوردار به بی‌زور، و دارا به مستمند رحم نمی‌کند و خصوصیات زنانه زن مورد توجه نیست، زن هم مجبور است، برای به دست آوردن لقمه نانی، خود را به هر آب و آتشی بزند.
۳. غرب زده‌ها، غرب را الگوی خود می‌دانند و می‌خواهند به تاسی از غرب، زنان مسلمان را به صورت بی‌قید و بند، روانه بازار کار کنند و حال آنکه جامعه غرب از اشتغال بی‌رویه زنان و آثار مخرب آن می‌نالند و خود زنان از این وضعیت خسته شده و داد و شکوه سر می‌دهند. نویسنده مشهور غربی «آنی رود» در مقاله مشهوری که در مجله «استرن میل» منتشر شد، گوید: اگر دختران ما در خانه‌های مسلمانان کلفتی می‌کردند، خیلی بهتر از آن بود که دچار بلا و مصیبت اشتغال در کارخانه‌ها شوند؛ زیرا حیثیت دختران شاغل در کارخانه‌ها، لکه‌دار شده و برای همیشه حرمتشان از بین رفته است. وی در ادامه گوید: کاش مملکت ما مثل مسلمانان به پوشش حجاب، عفت و پاک‌دامنی مزین می‌شد. ... به راستی برای کشوری چون انگلیس مایه ننگ است که در اختلاط نامشروع و ردایب اخلاقی زبانزد خاص و عام شود... آیا برای زن چه چیزی مهم‌تر از آن است که برای حفظ شرف خود، به مسئولیت خانه‌داری که با سرشت

وی موافق است، بپردازد و کارهای سخت بیرون از منزل را به مردان واگذارد. جولسیمون گوید: زنی که در بیرون خانه اشتغال دارد، کار یک کارگر ساده را انجام می‌دهد، ولی کار یک زن را انجام نمی‌دهد. (۳۶)

۴. اینکه عنوان می‌کنند؛ کار و درآمد حاصل از آن، اسلحه دست زن است. اگر این تعبیر درست باشد، مربوط به غرب است، نه اسلام؛ زیرا زن در اسلام از لحاظ مادی تأمین است. پدر، شوهر، برادر یا فرزند... موظف است، مخارج زن را تأمین کند و باید با نهایت تأسف بگوییم: امروز فرهنگ ما نیز کم‌کم تحت تأثیر غرب، این مدل زندگی را ترویج می‌دهد؛ برادر، خواهر خود را طرد می‌کند و هر کس به فکر مصلحت شخصی خود است. امید می‌رود مسلمانان راه درست اسلام را سرمشق زندگی بدانند.

۵. بسیاری از فقیهان نظر داده‌اند که زن می‌تواند منصب قضاوت را عهده‌دار شود و نیز می‌تواند در هر مسئله گواه و شاهد باشد. این رأی طبری، ابن حزم و ابوحنیفه می‌باشد. ایشان می‌گویند: زن جز در حدود و قصاص، در موارد دیگر می‌تواند شهادت دهد. نیز فقیهان گویند: وکالت از دیگری برای زن نیز جایز است. (۳۷) پذیرش این حرفه‌ها برای زن، به مثابه پذیرش همه کارهایی است که با صفت زنانه سازگار است؛ یعنی زن می‌تواند پزشک یا معلم و استاد شود. نیز معمول است که زنان بی‌سرپرست و مستمند، در زمینهای کشاورزی و امثال آن کار می‌کنند و در این مورد تقریباً اجماع وجود دارد و هیچ یک از فقیهان کار این زنان را منع نکرده است. امروز در کشور ما به خصوص در شمال و غرب کشور، غالب زنها در امور دامداری، کشاورزی، باغداری و غیره به طور سنتی و عمومی مشغول کار هستند و هیچ یک از علمای اسلام این کار را منع نکرده است و این در واقع اجماعی بر کار کردن زن در بیرون از منزل است. این ادله بیانگر این است که اشتغال زن در خارج از منزل، با رعایت حدود و موازین شرع، بلامانع و جزء حقوق وی است. اما با رعایت شرایط ذیل:

۱. ضرورت شخصی یا اجتماعی وجود داشته باشد.  
۲. امنیت شغلی وجود داشته باشد؛ برای تحقق این شرط نکات زیر الزامی است:

- خلوت نکردن مگر برای ضرورت: خلوت عبارت است از اینکه زن با مردی بیگانه در یکجا قرار گیرد، در حالی که در آنجا محرمی برای او وجود نداشته باشد. رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «هرگز مردی با زنی خلوت نکند، مگر با وجود محرم». (۳۸)

- عدم اختلاط: قرار گرفتن مردان و زنان نامحرم را در

یک محیط اختلاط گویند، به طوری که منجر به فساد شود. ولی هرگاه زنان و مردان یکجا جمع شوند و هر گروه، جای مخصوص داشته باشد، اختلاط به حساب نمی‌آید.

- نرم و دلربا سخن نگفتن، چشم فرو بستن، با وقار بودن: «صدا را نرم و نازک نکنید که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند و بلکه به طور سنگین و برازنده سخن بگویید» (احزاب، ۳۲) و به زنان مؤمنه بگو: «چشمان خود را (از نامحرم) فرو گیرند و عورت‌های خویشان را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند» (نور، ۳۱).

- لباس شرعی: لباسی شرعی است که شرایط ذیل در آن وجود داشته باشد: اول، همه قسمتهای بدن را که عورت خوانده شده، بپوشاند، نه تنها قسمتی از بدن را: «و زینت خود را نمایان نکنند، مگر آنچه آشکار شده است و چارقد و روسریهای خود را بر یقه‌ها و گریبانشان آویزان کنند» (نور، ۳۱). دوم، خود را بر لباس زینت نباشد: «و مانند جاهلیت پیشین در میان مردم خود آرای و خودنمایی نکنید» (احزاب، ۳۳). سوم، لباس زخیم باشد، تنگ و نازک و کوتاه نباشد که تن از زیر آن پیدا باشد. لباس نازک بر زیبایی زن می‌افزاید. در حدیث وارد شده است که رسول الله(ص) فرمودند: دو گروه از اهل آتشند، مردمانی که تازیانه‌هایی همچون دم گاو دارند و با آن مردم را می‌زنند و زنانی که لباس به تن، برهنه، با ناز و کرشمه راه می‌روند و موی سرشان همچون کوهان شتر است. اینها وارد بهشت نمی‌شوند و بوی بهشت هم به مشام آنها نمی‌رسد، در حالی که بوی بهشت از مسافتی طولانی دریافت می‌شود. (۳۹) چهارم، لباس شرعی لباسی معطر و خوشبو نیست: رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «هر زنی که عطر در لباس به کار برد و بر مردم رد شود و بوی آن عطر به مشام آنها برسد، آن زن مرتکب زنا شده است» و نیز فرموده‌اند: «هر یک از شما گروه زنان که خواهید به مسجد آید، عطر نزنید». (۴۰)

۳. اشتغال زن باعث نشود در وظایف شوهرداری و رسیدگی به امور منزل و تربیت فرزندان، خللی وارد شود.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد، گروهی که معتقدند تفاوتی بین زن و مرد در انجام مسئولیتها و مدیریتهای اجتماعی وجود ندارد و زنان نیز مانند مردان باید به دنبال مشاغل اجتماعی و تأمین درآمد باشند و آن را از جمله موارد ارزشی برای زنان می‌دانند؛ دچار افراط شده‌اند، برخی از مسئولیتها و مدیریتهای اجتماعی را که در حیطه و مسئولیت و توانایی مردان است، به زنان واگذار کرده‌اند و اشتغال را برای زن بدون هیچ قید و بندی لازم و





ضروری و از عوامل پیشرفت وی قلمداد می‌کنند، این عده با نادیده گرفتن رسالت مهم و ارزشمند زن یعنی مدیریت خانه و رسیدگی به امور منزل، تربیت نسل آینده و ایجاد محبت در کانون خانواده، مقام و منزلت زن را چنان پایین آورده‌اند که از او توقع و انتظار یک کارگر یا کارمندی با حقوق ناچیز را دارند و به راستی که در حق و منزلت عظیم الشان زنان ما چه بی‌عدالتی و ظلمی روا می‌دارند. از طرف دیگر عده‌ای که بر اثر برداشت سطحی از برخی آیات و روایات، منکر توانمندیهای زنان در این امور هستند، وظایف زنان را در چهارچوب خانه تعریف می‌کنند، صدای زن را عورت و خروج وی را ممنوع و حرام میدانند، دچار تفریط شده‌اند.

قول راجح نزد ما این است که بهترین و مهم‌ترین نقش زنان در جامعه، نقش همسری و مادری است و این جایگاه در آموزه‌های دینی و نزد فقیهان، بسیار ارزشمند و مقدس شمرده شده است و زن می‌تواند از این طریق به کمال خود برسد. بنابراین این جایگاه باید برجسته‌سازی شود؛ زیرا تشویق زنان به اشتغال بدون قید و شرط و محول کردن مشاغل گوناگون به آنها و سپردن مشاغل کلان و طاقت فرسا، نه تنها خدمتی

به زنان نیست، بلکه خیانت و ظلمی بزرگ به آنان و به کل جامعه بشری است. از دیدگاه ما اسلام به بانوان حق اشتغال داده، اما نه به قیمت مسخ شدن خصوصیات زنانه وی، یعنی کار زن در محدوده مشخص و مشروط است. چنان که موافقان افسار گسیخته می‌پندارند، اشتغال زن بی‌قید و بند نیست و ادله آنان نیز به اثبات حق اشتغال ختم می‌شود. رأی کسانی که مانع حضور زن در جامعه هستند، قطعاً مردود است؛ زیرا در سنت قولی و عملی پیامبر اسلام و در عرف مردم، زن جزئی از جامعه و جداکردنش از آن، غیر ممکن است و نهایت ادله این گروه، راجع به تکلیفی نبودن اشتغال زن است و نتوانستند دلیلی بر منع زن از اشتغال، ارائه دهند. رأی کسانی که حضور زن را در هر صحنه بی‌قید و بند و بی‌رویه لازم و ضروری می‌دانند، نیز مردود است و با ادله‌ای که بیان شد، رأی راجح این است: «خیر الامور اوسطها». نه تفریط آنها و نه افراط اینها، بلکه حضور مشروط و محدود، جایز است. پس اصل برای زنان خانه‌داری و تربیت فرزند است، ولی حق دارد در صورت نیاز به اشتغال بپردازد و کیفیت آن را عرف معین می‌کند.

## پی‌نوشتها

۱. لغت‌نامه دهخدا، ۲۶۳۳؛ فرهنگ اقتصادی، ص ۲۴۷.
۲. سیر جوامع بشری، صص ۴۵۸-۴۶۲.
۳. فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، ج ۱، ص ۱۱۴۵.
۴. همان، ج ۱، ص ۲۲.
۵. مجموعه مقالات سمینار سیمای زن در جامعه، ص ۱۲۱.
۶. المرأة فی الاسلام، صص ۲۵ و ۲۶؛ داستان تمدن، ج ۲، ص ۱۲۶.
۷. حقوق المرأة بین الاسلام و الدیانات الأخری، ص ۱۹.
۸. اسدالغایبه، ج ۵، صص ۴۷۷، ۵۳۵-۵۶۵؛ المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۲۰.
۹. سیر جوامع بشری، صص ۴۶۷ و ۴۶۸.
۱۰. المغنی، ج ۷، ص ۲۸۵؛ الأم، ص ۳۰۹؛ مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۲۸۸.
۱۱. الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع، ج ۲، ص ۱۸۷.
۱۲. الادب المفرد، ص ۹۷.
۱۳. بدائع الصنائع، ج ۵، ص ۲۱۹۷.
۱۴. المسوط فی الفقه، ج ۵، ص ۱۸۵.
۱۵. اعیان النساء، ص ۲۱۰.
۱۶. المرأة بین الفقه و القانون، ص ۹۸.
۱۷. الموافقات، ج ۳، ص ۱۳۶؛ اصول الوجیز.
۱۸. الحجاب، صص ۱۵۲، ۱۶۷-۱۷۲.
۱۹. سنن ابن ماجه.
۲۰. الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع، ج ۲، صص ۹۵ و ۱۴۷.
۲۱. حاشیة الطحاوی، ج ۲، ص ۶۴.
۲۲. الاقناع، ج ۳، ص ۲۴۳.
۲۳. نظام الحکومة، ج ۱، صص ۲۸۵ و ۲۸۶؛ اسدالغایبه، ج ۵، صص ۵۶۵؛ المرأة فی التاریخ العربی، صص ۱۲۱-۱۲۳.
۲۴. المرأة بین الشرع و القانون، صص ۳۵-۳۷.
۲۵. صحیح بخاری، ج ۱، صص ۳۵-۳۷ و ۱۷۷.
۲۶. فتح القدر، ج ۴، ص ۲۷۷۴۲.
۲۷. الفوائد المجموعة فی الاحادیث الموضوعة، ص ۱۳۶.
۲۸. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۱۶؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۶۳۱.
۲۹. فتح الباری، ج ۴، صص ۲۴۱۳-۲۴۱۵.
۳۰. صحیح بخاری، ج ۹۰۰؛ صحیح مسلم، ج ۴۲.
۳۱. سنن ابن ماجه، ج ۲۲۴.
۳۲. الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۴.
۳۳. حقوق و واجبات المرأة فی الاسلام، ص ۱۰۶.
۳۴. صحیح بخاری، ج ۱۸۱۲؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۶.
۳۵. صحیح مسلم، ج ۱۸۰۹-۱۸۱۲؛ مسند احمد، ج ۶.

## کتابنامه

۱. ابن اثير، اسد الغابة، تهران، مكتب الاسلاميه، ۱۳۷۷ق.
۲. ابن حجر عسقلاني، شهاب الدين بن احمد، فتح الباري، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن حزم اندلسي، علي بن احمد، الاحكام في اصول الاحكام، بيروت، دار الآفاق، بي تا.
۴. همو، المحلي، بيروت، دار الجليل؛ دار الآفاق، بي تا.
۵. ابن قدامة، موفق الدين ابومحمد عبدالله بن احمد مقدسي، المغني، بيروت، دار الفكر، بي تا.
۶. ابن كثير، أبي الفداء اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۱م.
۷. ابن ماجه، ابى عبدالله محمد بن يزيد قزويني، سنن ابن ماجه، تصحيح الباني، رياض، مكتبة المعارف، ۱۴۱۷ق.
۸. احمد بن حنبل، مسند احمد، تحقيق: زهير الشاويش، بيروت، المكتبة الإسلامي، چاپ پنجم، ۱۴۰۸ق.
۹. بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل، الادب المفرد، رياض، الجليل الصناعي، چاپ چهارم، ۱۹۹۷م.
۱۰. همو، صحيح بخارى، بيروت، دار ابن كثير، اليمامة، بي تا.
۱۱. جواد علي، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۷۰م.
۱۲. حجاوي، شرف الدين موسى حجاوي مقدسي، الاقناع، بيروت، بي تا، بي تا.
۱۳. حجوري، محمدمهدى، المرأة بين الشرع والقانون، بيروت، دار البيضاء؛ دار الكتاب، ۱۹۹۷م.
۱۴. حكيمي، محمدرضا، اعيان النساء، مقدمه، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۳م.
۱۵. دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، مؤسسه دهخدا، ۱۳۳۸ش.
۱۶. دورانت، ويل، داستان تمدن، ترجمه عزت صقري، تهران، انتشارات اقبال، بي تا.
۱۷. زيدان، عبدالكريم، اصول الوجيز، تهران، نشر احسان، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
۱۸. همو، حقوق و واجبات المرأة في الاسلام، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۴م.
۱۹. سباعي، مصطفى، المرأة بين الفقه والقانون، بيروت، المكتبة الاسلامي، بي تا.
۲۰. سرخسي، محمد بن احمد، المبسوط في الفقه، قاهره، مطبعة السعادة، بي تا.
۲۱. شاطبي، ابى اسحاق، الموافقات في اصول الشريعة، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
۲۲. شرييني، شمس الدين محمد بن احمد، الاقناع في حل الفاظ ابى شعاع، قاهره، مكتبة محمد على صبيح، بي تا.
۲۳. شرييني، محمد الخطيب، مغني المحتاج، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۴م.
۲۴. شوكتاني، محمد بن علي، الفوائد المجموعة في الاحاديث الموضوعه، قاهره، مطبعة السنة المحمدية، ۱۹۶۰م.
۲۵. همو، فتح القدير، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
۲۶. صباغ، د. ليلي، المرأة في التاريخ العربي، دمشق، وزارت فرهنگ و ارشاد ملي، ۱۹۷۵م.
۲۷. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادي، نشر آسيم، ۱۳۸۶ش.
۲۸. قرطبي، محمد بن احمد انصاري، الجامع لأحكام القرآن، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۰ق.
۲۹. كاساني، علاء الدين، بدائع الصنائع، بيروت، دار الكتاب، ۱۹۸۲م.
۳۰. كناني، عبدالحى، نظام الحكومة النبوية الترتيب الإداري، بيروت، دار الكتاب العربي، بي تا.
۳۱. لنسكي، گرهارد، سير جوامع بشري، ترجمه ناصر موفقيان، تهران، انتشارات انقلاب اسلامي، ۱۳۶۹ش.
۳۲. محمود عبدالحميد محمد، حقوق المرأة بين الاسلام و الديانات الأخرى، قاهره، مكتبة مدبولي، ۱۴۱۱ق.
۳۳. مريدي، سيباوش، و نوروزي، عليرضا، فرهنگ اقتصادي، تهران: پيشبرد نگاه، ۱۳۷۳ش.
۳۴. مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقى، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
۳۵. مظفرى، بهجت الملوك، مجموعه مقالات سمينار سيمای زن در جامعه.
۳۶. منيسي، سامية، المرأة في الاسلام، بيروت، دار الجليل، بي تا.
۳۷. مودودي، ابوالاعلى، الحجاب، كويت، دار الفكر العربي، بي تا.
۳۸. يكن، فتحى، الاسلام و الجنس، طرابلس، مؤسسة الرسالة، دار الايمان، ۱۹۹۱م.

